

خبرنامه موسسه توانمندسازی مهروماه

سال ۱۴۰۱



یک سال، یک نگاه..... ۴

راه بلوچستان..... ۱۵

نشان استاندارد افرا؛ نشان همت مهروماه..... ۱۷

کودکان..... ۱۸

زنان و بستر خانواده..... ۲۱

داوطلبان..... ۲۳

گزارش‌های تصویری..... ۲۸

نویسندگان:

سمانه گلاب
رقیه مطلبی
فاطمه علمدار
یاسمن کاظمی

مدیر اجرایی:

یاسمن کاظمی

صفحه آرا:

بهناز شعبان زاده

عکاسان:

صبا طاهریان
و سایر همیاران موسسه

**آینده از آن زنان و کودکانی خواهد بود که امید به
فردا در دلشان زنده شده است.**

سالی که گذشت قطعا از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین سال‌های تاریخ ایران بوده است. فراز و نشیب‌های سال گذشته خاطرات تلخ و شیرینی را برای مردم ایران رقم زدند که در یادها خواهد ماند. طعم شیرین با هم بودن‌ها و همبستگی‌ها در کنار حوادث تلخ از دست دادن‌ها، سال گذشته را از سال‌های قبل متمایز کرد.

افزایش فشارهای اقتصادی و اجتماعی به‌خصوص بر اقشار فرودست جامعه، سفره خانه‌ها را کوچک و کوچک‌تر کرد. در تنگنای معیشتی خانواده‌ها، روز به روز بر تعداد نان‌آوران کوچک که راهی خیابان‌ها می‌شدند افزوده می‌شد و آنچه که بیش از هر چیز، نگرانی‌ها را بیشتر می‌کرد عدم توجه مسئولین و سیاستگذاران بر این روند رو به گسترش آسیب‌های اجتماعی ناشی از ناهنجاری‌های اقتصادی حاکم بود. در این میان زنان نیز برای تحقق رفع تبعیض‌های جنسیتی و مطالبات سال‌ها نادیده انگاشته شده‌شان هم‌صدا با اقشار مختلف مردم خواهان توجه مسئولان شدند. نشنیده شدن صدای مطالبات اقشار مختلف منجر به حوادثی شد که متأسفانه در پی آن عزیزانی را از دست دادیم؛ از جمله کودکان بی‌گناهی که داغی بر دل جامعه به‌خصوص خانواده‌هایشان گذاشت که فراموش شدنی نیست.

با همه شرایط سخت، سال گذشته همچنان کنار زنان و کودکان در مهرماه ماندیم و تمامی فعالیت‌های آموزشی و حرفه‌آموزی و خدمات مددکاری اجتماعی و روانشناسی را همانند گذشته با انگیزه و باوری محکم‌تر ادامه دادیم. مهرماه، خانه امید صدها کودک و زن، محملی است برای توان‌افزایی زنان و کودکان، برای به خود باوری رسیدن در سایه آموزش و مهارت‌آموزی. برگزاری کلاس‌های آموزشی دروس رسمی و غیر رسمی برای صدها کودک و مادرانشان و همچنین تسهیلگری در ایجاد و توسعه کسب‌وکار خانگی در سایه خدمات مددکاری و روانشناسی از اهم تلاش‌های داوطلبان مهرماه در سال گذشته بوده است. دریافت نشان استاندارد افرا در سال گذشته مهر تاییدی است بر زیرساخت‌های مدیریتی موسسه مهرماه. این نشان حاصل تلاش همدلانه همه همکاران دغدغه‌مند مهرماه است. داوطلبانی که با همه سختی‌های سال گذشته بر باورشان ایستادند و در راستای ایفای نقش مسئولیت اجتماعی خود، همه تلاششان را کردند تا قدری از فشارهای وارده بر زندگی اقشار فرودست بکاهند.

با هزاران امید کنار هم می‌مانیم چرا که

باور داریم «آینده از آن زنان و کودکانی است که بذر امید در دلشان جوانه زده است»

افخم صباغ نوین

مدیرعامل

یک سال دیگر را نیز در کنار شما به پایان رساندیم. در این یک سال کشور شاهد تحولات بسیاری بود که فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد را نیز تحت‌تاثیر قرار داد. با این حال تلاش ما بر آن بود تا در کنار ایفای نقش اجتماعی خود در جامعه، فرصت زندگی بهتر را برای زنان و کودکان مهروماه فراهم آوریم. در سال ۱۴۰۱ فعالیت‌های موسسه در سه حوزه: **میدانی** (آموزش، مددکاری اجتماعی و روانشناسی، کارآفرینی و فرهنگ و هنر)، **ترویج و آگاهی‌رسانی** و **مطالبه‌گری حقوق زنان و کودکان**، ادامه پیدا کرد. در این بخش به عمده فعالیت‌های میدانی اشاره‌ای گذرا شده است. امید که در کنار هم بتوانیم روزهای بهتری برای خود و جامعه‌مان رقم بزنیم.

آموزش

یکی از مهم‌ترین حوزه فعالیت‌های مهروماه بخش آموزش است. فعالیت آموزشی مهروماه در دو گروه زنان و کودکان پیش برده می‌شود. در بخش کودکان، آموزش پیش دبستانی، کودکان بازمانده از تحصیل در مدارس دولتی - در قالب دو گروه کودکان (بوستان) و نوجوانان (دانش و مهارت)- و پشتیبانی تحصیلی از کودکان شاغل در تحصیل در مدارس دولتی با همت همراهان مهروماه پیش رفت. در گروه زنان نیز کلاس‌های سوادآموزی برای گروهی از زنان و دخترانی که در زمان کودکی از حق تحصیل محروم مانده بودند برگزار شد.

پیش دبستانی

در ابتدای تابستان ۷۵ کودک در ۶ کلاس، آموزش پیش‌دبستانی خود را به پایان رساندند و ۶۱ نفر موفق شدند در پایه اول در مدارس دولتی ثبت‌نام کنند و ۶ نفر نیز به دلیل مشکلات اوراق هویتی در موسسه مشغول به تحصیل شدند. با شروع سال تحصیلی جدید مهروماه میزبان گروه دیگری از کودکان محله بود. در پاییز ۷۴ کودک تحت پوشش طرح پیش‌دبستانی مهروماه قرار گرفتند و دوره آموزش آنها تا پایان سال تحصیلی ادامه پیدا کرد.

حمایت تحصیلی

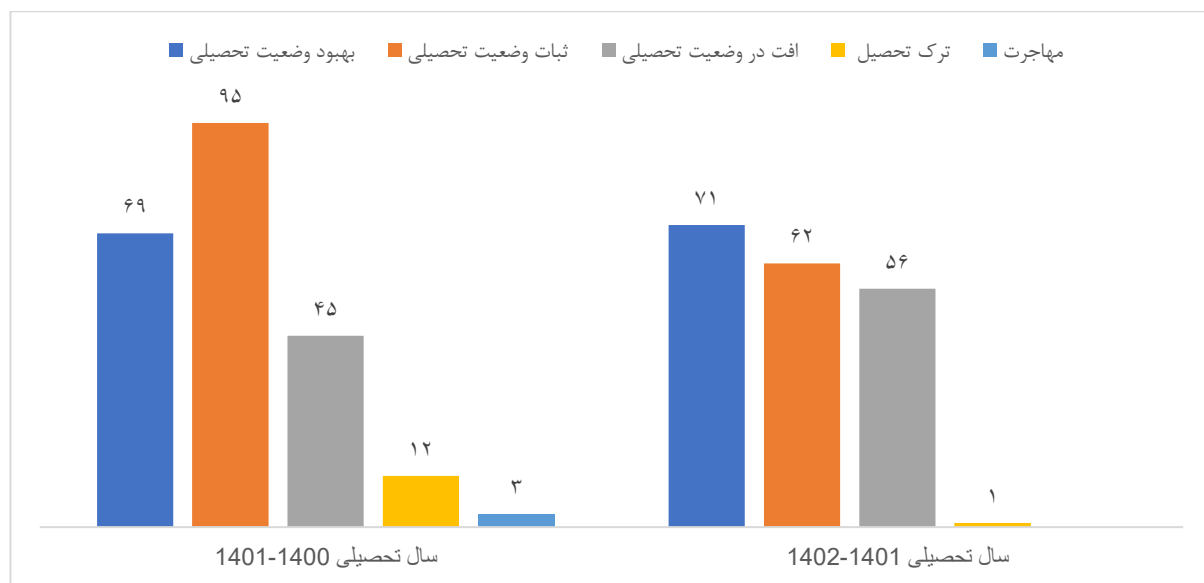
تحصیل رایگان حق همه کودکان است و هر کودکی فارغ از شرایط اقتصادی خانواده این حق را دارد که از امکانات تحصیلی مناسب برخوردار باشد. طرح پشتیبانی تحصیلی تشکیل شده است تا از کودکانی حمایت کند که به واسطه فقر



خانواده و نبود امکانات از داشتن شرایط مناسب تحصیلی محروم هستند و در صورت نبود حمایت‌های لازم امکان بازماندگی از تحصیل آنها وجود دارد.



در نیمه نخست سال ۱۴۰۱ تعداد ۲۲۴ کودک و در نیمه دوم سال به دلیل محدودیت‌های مالی تعداد ۱۹۰ کودک تحت پوشش طرح پشتیبانی تحصیلی قرار گرفتند. نکته قابل توجه در بخش حمایت تحصیلی این بود که اتخاذ روش‌هایی مانند پیگیری مداوم وضعیت تحصیلی، ارائه کلاس‌های تقویتی به صورت داوطلبانه و ایجاد انگیزه برای کودکان باعث شد در دوره‌ای که به دلیل کرونا و آموزش‌های غیرحضوری، افت تحصیلی بین دانش‌آموزان شایع است اکثریت دانش‌آموزان مهروماه با ثبات یا بهبود وضعیت تحصیلی این دوره را پشت سر بگذارند. آمار وضعیت تحصیلی این کودکان این موفقیت را نشان می‌دهد. همت بلند این کودکان و تلاش همراهان این طرح را قدر می‌نهیم.



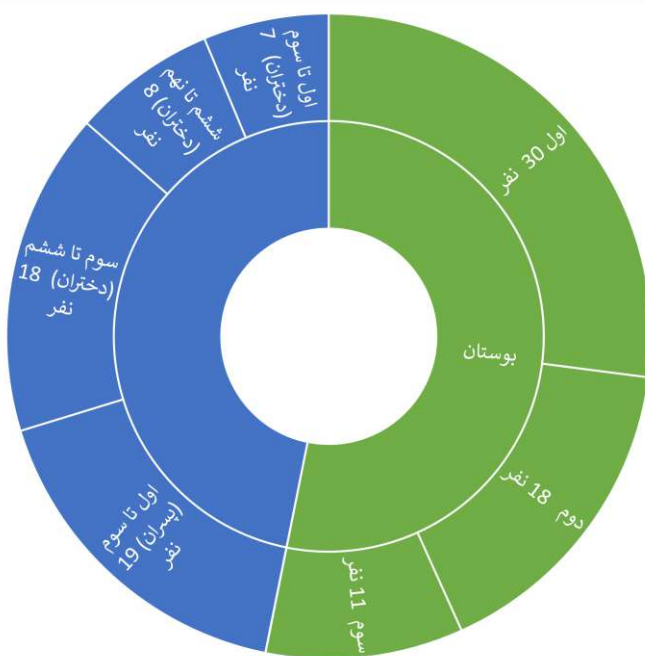
کودکان بازمانده از تحصیل

هر سال به رغم تلاش متعدد در موسسه با هدف ثبت نام کودکان در مدارس باز هم تعدادی از کودکان به دلیل نداشتن اوراق هویتی و/یا کبر سن از امکان آموزش در مدارس عمومی محروم می‌مانند. در سال‌های اخیر و با افزایش موج مهاجرت از افغانستان به ایران و حضور مهاجران بیشتر در منطقه فرحزاد تعداد کودکان بازمانده از تحصیل افزایش نیز یافته است. موسسه در سال‌های فعالیتش خود را موظف دیده است تا با بازگرداندن این کودکان به آموزش عمومی با برگزاری کلاس‌های آموزشی در موسسه این کودکان را در مسیر آموزش قرار دهد. در راستای اجرای این هدف و بر اساس تجارب گذشته کمیته آموزش کودکان بازمانده به دلیل اختلاف سن زیاد بین این کودکان و نیازهای متفاوتی که با آن مواجه هستند، آنها را به دو گروه تقسیم کرد:

گروه بوستان: آموزش کودکان ۶ تا ۱۲ سال در قالب آموزش‌های رسمی مدارس در کنار آموزش‌های خلاق متناسب با این گروه سنی.

گروه دانش و مهارت: آموزش نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال. در دوره دانش و مهارت نوجوانان در کنار آموزش رسمی، مهارت‌های زندگی را نیز یاد می‌گیرند و دوره‌هایی برای حرفه‌آموزی آنها برگزار می‌شود.

در بهار و تابستان ۸۰ کودک و نوجوان در موسسه آموزش خود را تکمیل کردند و کودکانی که توانستند امتحانات را با موفقیت به پایان برسانند با توجه به وضعیت اوراق هویبی و کبر سن در موسسه یا مدرسه دولتی در پایه بالاتر مشغول به تحصیل شدند. در پاییز نیز موسسه میزبان ۱۵۰ نفر از کودکان و نوجوانان بازمانده از تحصیل بود که به دلیل مهاجرت یا ثبت نام در مدارس در نهایت ۱۱۱ نفر از این کودکان دوره آموزشی خود را در موسسه ادامه دادند و توسط معلمان محلی و داوطلبان تحت آموزش قرار گرفتند.

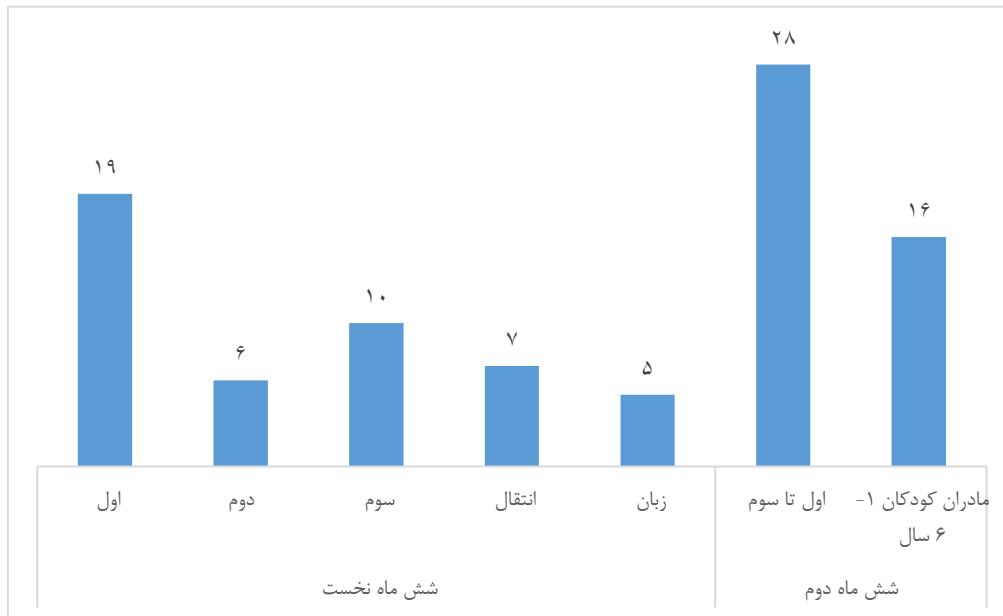


یکی از مشکلاتی که موسسه با آن مواجه بوده است سوء تغذیه شدیدی است که بسیاری از کودکان با آن روبه‌رو هستند. با حضوری شدن دوره‌های آموزشی، موسسه بار دیگر متعهد شد از کودکان (پیش دبستانی و بازمانده از تحصیل) با یک وعده غذایی در روز پذیرایی کند. برای این هدف جدول برنامه غذایی متناسب با نیازهای تغذیه‌ای کودکان تهیه شد و تغذیه روزانه زیر نظر موسسه تهیه شد.

سواد آموزی

در تابستان سال ۱۴۰۱، تعداد ۴۲ نفر از زنان دوره سوادآموزی خود را به پایان رساندند و به توانایی خواندن و نوشتن دست یافتند. در شش ماه دوم سال کمبود فضای آموزشی مانع تأمین خواسته تمامی متقاضیان سوادآموزی در محله بود به همین دلیل موسسه تمرکز خود را بر پایه‌ترین سطح آموزش و آموزش خواندن و نوشتن در سطح اولیه (پایه اول و دوم) قرار داد تا حداقل سواد آموزشی به عنوان یکی از مهم‌ترین مهارت‌های پایه به سوادآموزان ارائه شود.

علاوه بر این موسسه تفاهمنامه‌ای با موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان برگزار کرد که بر اساس آن شبوه‌های نوین سوادآموزی مبتنی بر آموزش‌های خلاق و کاربردی مبنای کار قرار گرفت. جامعه هدف این طرح 16 نفر از مادران کودکان 1 تا 6 سال بودند که توسط آموزگار محلی با این روش نوین خواندن و نوشتن را آموختند. زنان سوادآموز مهرماه با شرکت در کلاس‌های سوادآموزی نه تنها توانمندی خواندن و نوشتن را در خود پرورش می‌دهند بلکه از این طریق می‌توانند در امور روزمره خود مستقل‌تر عمل کنند و به دنبال آن هم خود عزت نفس بیشتری می‌یابند و هم نقشی فعال‌تر و اثرگذارتر در خانواده پیدا می‌کنند.



مددکاری اجتماعی و روانشناسی

کمیته مددکاری اجتماعی و روانشناسی اساسی‌ترین بخش فعالیت در مهر و ماه است. به عبارتی تمام فعالیت‌ها در موسسه با همکاری این واحد صورت می‌پذیرد. بنا به معضلات فراوانی که ساکنین این محلات حاشیه‌نشین با آن روبه‌رو هستند، حضور مددکار اجتماعی در همه فعالیت‌ها ضرورت دارد.

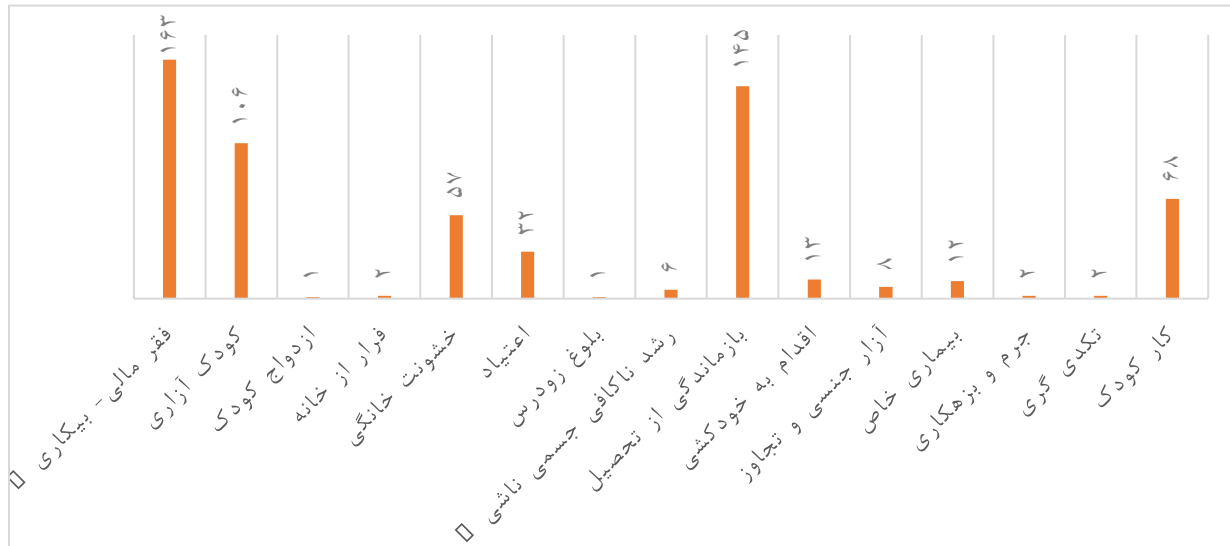
در موسسه مهرماه کودکان دارای پرونده در بستر خانواده هستند و همه فعالیت‌ها سطح‌بندی شده و با برنامه‌ای که تیم تخصصی برای هر پرونده طراحی می‌کند پیش می‌رود.

موضوع	عملکرد ۱۴۰۱	برنامه ۱۴۰۱	درصد تحقق
مصاحبه اولیه	۳۱۱	۲۳۰	۱۳۵%
تشکیل پرونده	۹۴	۵۰	۱۸۸%
تعداد بازدید از منزل	۱۷۲	۲۷۰	۶۴%
مشاوره فردی و گروهی	۸۴۰	۱۲۰۰	۷۰%

مشاوره و پیگیری وضعیت کودکان و خانواده‌ها بخشی از فعالیت‌های موسسه است که کمیته مددکاری اجتماعی و روانشناسی عهده دار آن است.

مشاوره حقوقی	۱۱
پیگیری حضوری	۵۲۴
پیگیری غیرحضوری	۴۸۱
ارتباط با مدرسه	۲۶
جلسات تیم تخصصی	۱۱۹
تعداد گشت سیار	۶
ارجاع به کمیته ترکی	۶
مداخله در بحران	۶
تست ایدز	۱

بررسی‌های کمیته نشان می‌دهد خانواده‌ها با آسیب‌های جدی بسیاری روبه‌رو هستند که بخشی از این آسیب‌ها و فراوانی آنها در نمودار نشان داده شده است. فقر مالی، بازماندگی از تحصیل، کوک آزاری، کار کودک و خشونت خانگی بیشترین آسیب‌هایی هستند که در منطقه با آن مواجه هستیم. به طوری که از 175 خانواده با پرونده فعال در بخش مددکاری اجتماعی 163 خانواده با فقر شدید مواجه هستند.



به دلیل وجود این آسیب‌ها کارگاه‌هایی برای ارتقای وضعیت زیستی مراجعان برگزار می‌شود تا از این طریق توان کودکان و

زنان در مواجهه با آسیب‌ها افزایش یابد.

عنوان دوره‌های برگزار شده	
فلسفه برای کودک	مهارت فرزندپروری
پیشگیری از رفتار پرخطر	مبارزه با قلدری پسران
خود مراقبتی برای والدین	خودآگاهی مادران
کارگاه آشنایی با نیازهای دوران نوجوانی (معیارهای آشنایی- ازدواج)	کارگاه کنترل خشم
کارگاه کوچینگ و ارتباط مثبت	کارگاه راهکارهای مقابله با افسردگی
مهارت تقویت اعتماد به نفس کودک - نوجوانان	مهارت زندگی دختران
مهارت مسئولیت پذیری مادران	خود مراقبتی کودکان
بهداشت فردی مادران	مهارت و خلاقیت

یکی از گروه‌های هدف موسسه کودکانی هستند که برای تأمین زندگی مجبور به کار هستند. گروه مددکاری اجتماعی و روانشناسی موسسه برای این گروه از کودکان برنامه ویژه دارد. هدف این است که این کودکان از چرخه کار حذف شوند یا ساعت کاری آنها کاهش یابد.

خدمات ارائه شده به کودکان کار			
موضوع	تعداد (نفر)	موضوع	تعداد (نفر)
تعداد کودکان کار در ابتدای سال	۱۲۵	تعداد کودکان کار، تحت حرفه آموزشی	۴
تعداد کودکان کار در پایان سال	۶۲	تعداد اشتغال یابی خانواده، کودکان کار	۷
تعداد کودکان ترک تحصیل کرده	۱۱	تعداد کودکان کار ارجاع درمانی و خانواده	۳۲

هرچند ارائه خدمات معیشتی جزو اولویت های موسسه نیست اما به ضرورت و با توجه به نیازهای گروه های هدف برای تأمین نیازهای حداقلی در هر سال خدمات معیشتی نیز در قالب کمک های نقدی و غیر نقدی ارائه شده است. در جدول زیر معادل ریالی کمک های غیرنقدی مردمی که به موسسه اهدا شده تا در اختیار جامعه هدف قرار گیرد خلاصه شده است.

عنوان	معادل ریالی هدایا *
مواد غذایی	۲۰۴/۸
بهداشتی و درمانی	۳۸/۱۶
پوشاک	۷۸/۳۱
کتاب و لوازم آموزشی	۸۱/۷۹

* اعداد به میلیون تومان است.

ارائه خدمات بهداشت و سلامت نیز در موسسه به صورت جدی پیگیری می شود. در همین راستا برگزاری کارگاه های آموزشی، غربالگری های منظم و واکسیناسیون و ارائه خدمات درمانی در طول سال ۱۴۰۱ محقق شده است. لازم به ذکر است پزشک و ماما به صورت داوطلبانه در محل موسسه حضور مستمر داشتند. در مجموع خدمات بهداشتی و درمانی ارائه شده در سال ۱۴۰۱ ارزشی معادل ۳۵۰ میلیون تومان داشته است که ۲۵۰ میلیون تومان آن مربوط به هزینه برآوردی پروتز دست برای یکی از کودکان است که این کار توسط دانشگاه علوم بهزیستی با رایزنی موسسه انجام شد.

۳۱	پزشک متخصص
۱۵	مرکز درمانی
۱۴	آزمایشگاه و عینک ساز
۲	گفتار درمانگر
۶	روانشناس و روانپزشک



ایجاد کسب و کار خرد

هدف گذاری برای کاهش و توقف کار کودکان ممکن نیست مگر با توانمندسازی زنان خانواده. علاوه بر این، مطالعات متعدد نشان داده است یکی از شروط حرکت در مسیر توسعه سرمایه گذاری برای آموزش و توان افزایی زنان است. زنان توانمند در کنار آنکه می توانند برای بهبود وضعیت اقتصادی خانواده و جامعه تلاش کنند، قادر خواهند بود با اعتمادی که نسبت به خود پیدا کرده اند در خانواده نیز نقش پررنگ تر و اثرگذارتری داشته باشند. در همین راستا بخش کارآفرینی و صنایع دستی زنان، از سال ۹۲ فعالیت خود را آغاز کرد و توانست بخشی از زنان محله را با حرفه آموزی به مرحله کسب درآمد برساند. فعالیت های این بخش در چهار حوزه حرفه آموزی، صنایع دستی (مهرسا)، تولید مواد غذایی (مهرچین) و فروش در سال ۱۴۰۱ پیش برده شد. مهرسا و مهرچین امسال در نمایشگاه های متعددی مثل نمایشگاه خانه هنرمندان که توسط مهروماه برای سمن های این حوزه برگزار شد شرکت کردند. همچنین مجموعه کیسون هم شرایطی را فراهم کرد که محصولات مهرسا و مهرچین را در نمایشگاهی در این مجموعه ارائه کردیم.



آموزش خیاطی: ۱۹ نفر
 آموزش چرخ دوزی: ۱۷ نفر
 آموزش پته دوزی: ۱۲ نفر
 آموزش قلاب بافی: ۱۰ نفر
 آموزش نقاشی روی پرچه: ۷ نفر
 آموزش آشپزی: ۴ نفر

زنان مشغول به کار در
 بخش کل آفرینی

۲۵ نفر در بخش صنایع دستی

۱۵ نفر کار با چرخ صنعتی در خانه

۱ نفر کار در کرگانه موسسه

۸ نفر کل در بخش آشپزی



فرهنگ و هنر

هدف مهروماه همواره این بوده است که با فعالیتهای خود در کنار جامعه محلی شرایط زیست بهتر و شادتر را فراهم آورد. این موضوع به ویژه در حوزه کودکان که تفریح، برخورداری از آموزشهای همه جانبه و تقویت استعدادهایشان از حقوق اولیه آنهاست اهمیت دوچندان دارد. از این رو کمیته فرهنگ و هنر مهروماه در تمام سالهای فعالیت خود کوشیده است متناسب با ظرفیتهای موجود این مهم را تحقق بخشد.

با توجه به اینکه در سال ۱۴۰۱ وضعیت کرونا بهبود یافت این امکان به وجود آمد تا کمیته فرهنگ و هنر مانند سالهای گذشته فعالیتهای خود را به صورت گسترده تر پیش بگیرد. برگزاری جشنها و دورههای آموزشی، اردوهای تفریحی و کلاسهای فرهنگی و ورزشی بخش اصلی فعالیتهای این کمیته در سال ۱۴۰۱ بوده است.



برگزاری کلاس‌های هنری و ورزشی از جمله زبان، نقاشی، طراحی، سرود، موسیقی، تنیس روی میز، شطرنج و یوگا بخش دیگری از فعالیت‌های این کمیته را تشکیل می‌داد که در مجموع ۶۶۸ نفر در این کلاس‌ها شرکت کردند.

موضوع کلاس		
زبان مبتدی	نقاشی	سرود و نقاشی
زبان ترم ۱ و ۲	کتابخوانی کودکان	کتابخوانی اول تا سوم
زبان تقویتی	کتابخوانی مهر	نقد کتاب
زبان خصوصی	کامپیوتر	تنیس روی میز (پسران)
زبان چهارم و پنجم (دختران)	دف	تنیس روی میز (دختران)
زبان چهارم و پنجم (پسران)	سرود	طراحی نوجوان
زبان ششم و هفتم (دختران)	کتابخوانی	عروسک سازی
زبان نهم و دهم (پسران)	شطرنج ۱ و ۲	بلز ۱ و ۲
مهارت و خلاقیت - ۳ گروه	یوگا	با من بخوان
مهارت زندگی ۱ و ۲	کتابخوانی مادران	نقاشی کودکان/قصه نویسی

کتابخانه مهرماه نیز با بیش از ۳۲۶۰ کتاب مانند همیشه امکان خوبی برای مطالعه اعضای خود فراهم کرد. جشنواره «کتاب مهر» نیز مشوقی بود برای آن گروه از نوجوانانی که مطالعه را به صورت جدی‌تر دنبال می‌کنند.



این‌ها خلاصه‌ای است از آنچه در یک سال گذشته در چارچوب فعالیت‌های اصلی مهروماه انجام شد. این مهم ممکن نبود جز با همراهی شما یارانی که همیشه در کنار ما بوده‌اید و ما را در مسیری که قدم در آن نهادیم تنها نگذاشتید. وجودتان را ارج می‌نهیم و در کنار شما یک سال دیگر به فعالیت خود ادامه می‌دهیم.



پس از سیل زمستان ۱۳۹۸ مهروماه با کسب مجوزهای قانونی از سازمان هلال احمر، به پویش ملی همراهی با بلوچستان پیوست. هدف از این کار استفاده از تجارب موسسه در زمینه کارآفرینی بود که با شعار «پویش همیاری با صندوق‌های کارآفرینی» آغاز شد. مکان فعالیت‌ها شهرستان مرزی سرباز تعیین و برنامه برای تشکیل سه تعاونی پیش برده شد: سازین دوچ بلوچ (سوزندوزی)، درزی مهر ماهکان (خیاطی) و چشمه زلال سرباز (تولید مواد بهداشتی آرایشی). هر سه تعاونی، با سرعت‌های متفاوت، بر پایه اصول تعریف شده، به طور مستمر به‌سوی خودکفایی و استقلال اقتصادی در حرکت هستند.

تعاونی سازین دوچ بلوچ از اواسط مهر ماه (۱۴۰۱) با جذب دو مشتری ثابت و تعدادی سفارش‌های پراکنده، به خودکفایی رسید. این تعاونی با ۷ عضو رسمی حلقه‌ای ۳۵ تا ۴۰ نفره از دختران و زنان سوزندوز را حمایت می‌کند.

«تعاونی درزی مهر ماهکان» نیز هم‌اکنون در مسیر خودکفایی قرار دارد به طوری که در دهه اول اسفند ۱۴۰۱، سه صندوق (هسته) خیاطی در روستای پرجمعیت مغ تشکیل شد. تا اواخر اسفند صندوق دیگری در روستای کیشکلک، آماده تشکیل بود. در بهار ۱۴۰۲ نیز نسبت به واگذاری با شرایط مهروماه و نظارت داوطلبان بومی مهروماه بررسی و تصمیم‌گیری خواهد شد.

«تعاونی چشمه زلال سرباز» با همراهی دوستان و داوطلبان مهروماه بعد از مدت‌ها فعالیت و معطلی در چرخه اداری، موفق به ثبت شرکت تولیدکننده مواد شوینده، بهداشتی، آرایشی با نشان تجاری «به‌آفرید سرباز» شد. از مرداد ماه ۱۴۰۱ و اخذ این نام و نشان تجاری تاکنون به دستور اداره غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر به رغم تایید کیفیت محصول، تا طی مراحل اداری و گرفتن سبب سلامت اجازه تولید ندارد. با این همه، مهروماه، تجهیزات تکمیلی ضروری و مواد اولیه لازم برای تولید سه محصول: صابون مایع، مایع ظرفشویی و شامپو ماشین را تامین کرد. این تجهیزات و محصولات هماهنگ با شروع تولید و حرکت «تعاونی چشمه زلال سرباز» به سوی خودکفایی، به طور پلکانی، در اختیارش قرار خواهد گرفت.

مهروماه طی این سال‌ها تلاش خود را در جهت فعالیت‌های تسهیلگرانه در بلوچستان شکل داد و سال ۱۴۰۱ سال به بلوغ رسیدن این فعالیت‌ها بود. از این پس این جامعه محلی است که فعالیت‌ها را پیش خواهد برد و ما نیز به هدف خود مبنی بر مستقل شدن صندوق‌ها دست یافته‌ایم.





نشان استاندارد افرا؛ نشان همت مهروماه

استاندارد افرا به عنوان مبنایی برای ارزیابی زیرساخت‌های مدیریتی موسسات نیکوکاری و در راستای کمک به توسعه زیرساخت نیکوکاری طراحی شده است. این استاندارد در ۷ بعد حاکمیت سازمانی، سرمایه انسانی، ارتباطات، مالی، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی، بهبود مستمر و فناوری طراحی شده است.

موسسه مهروماه مفتخر است که در ارزیابی افرا در سال ۱۴۰۱ توانست این نشان را از موسسه افرا برای هر ۷ بعد سازمانی دریافت کند.

مؤسسه مدیریت
حامیان نواندیش افرا
توسعه زیرساخت نیکوکاری

گواهی اعتماد

بدین وسیله گواهی می‌شود که

موسسه مهر و ماه شمیرانات
به شماره ثبت ۳۵۶۳۷

منطبق است با الزامات پایه‌ای
استاندارد افرا: ۱۳۹۹
زیرساخت‌های مدیریتی موسسات نیکوکاری و سازمان‌های مردم‌نهاد

تاریخ صدور: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱ تاریخ انقضا: ۱۴۰۲/۰۶/۳۱ شماره گواهی: AFRA-ST-1401-01



محمدرضا پیرساجد
مدیرعامل

سیمینه آقاچانیان
مدیر پروژه ارزیابی

استاندارد افرا به عنوان مبنایی برای ارزیابی زیرساخت‌های مدیریتی موسسات نیکوکاری و سازمان‌های مردم‌نهاد در راستای کمک به توسعه زیرساخت نیکوکاری در کشور توسعه یافته است. این استاندارد در هفت بعد به ارزیابی موسسات نیکوکاری و سازمان‌های مردم‌نهاد و میزان توسعه یافتگی آن‌ها می‌پردازد. برای آشنایی بیشتر به وبسایت افرا به آدرس www.afraway.org مراجعه کنید.

آنها نجات دهنده هستند

به عنوان یکی از معلمانی که با کودکان بازمانده از تحصیل در مدارس دولتی تعامل دارم، می نویسم: «هر روز شاهد زحمتی هستم که دانش آموزانم با کار کردن برای تأمین نیازهای خانواده به دوش می کشند. من باور دارم هر کودکی حق تحصیل در محیط امن را دارد. واژه امنیت کاملاً با آنها غریبه است. کودکی که باید بازی کند و بخندد، بارها و بارها ناامیدی و سیاهی را تجربه می کند. هرچند مواجهه های سختی با زندگی دارند و در واقعیت رنج می کشند اما قلب هایشان پر از امید است.»

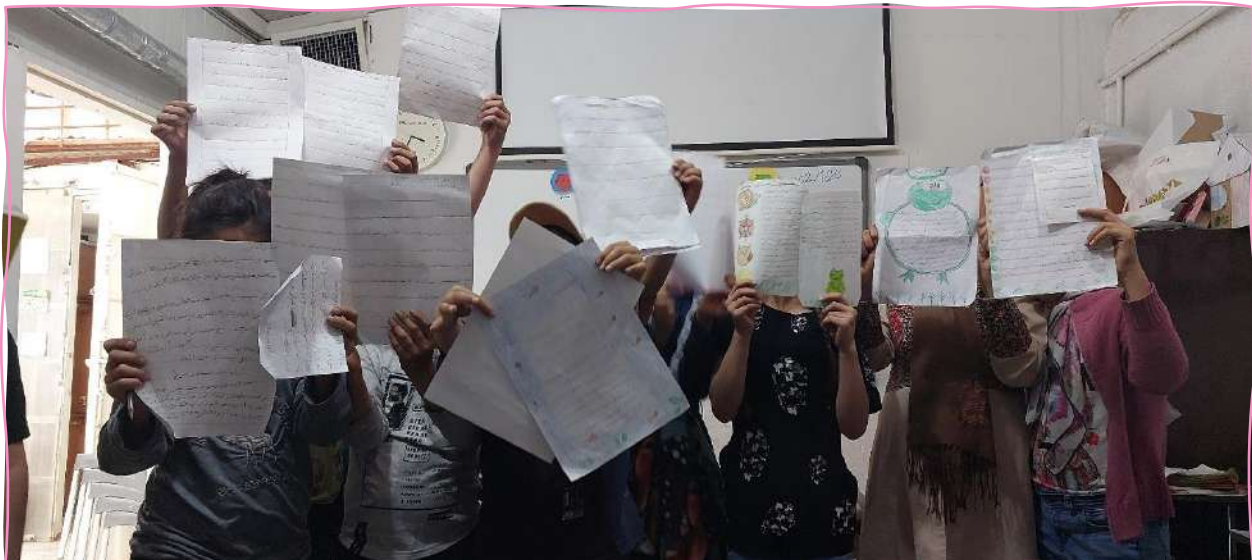
در ابتدای فعالیتیم با این عقیده که می توانم نقش مؤثری در زندگی تک تک شان داشته باشم، شروع به کار کردم و به مرور زمان شاهد تأثیرات آنها هم بر خودم بودم. هیجان آنها در مواجهه با یادگیری مطالب آموزشی جدید مرا به وجد می آورد و این چیزی است که احساس می کنم دقیقاً در نقطه درستی از زندگی قرار گرفته ام. هر کدامشان که غیبت می کنند و به کلاس نمی آیند رشته افکارم را به هم می ریزند و نگران شان می شوم.

علی (نام مستعار) یکی از شاگردان پر مهر و پر تلاش من است. یک روز پس از مشاهده نتیجه امتحانش دست هایش را رو به روی من گرفت و سؤالی پرسید. او گفت: «خانم معلم اگر می خواهی بزنی بزنی.» با تعجب از او پرسیدم «چرا باید از من این را بخواهی؟!» گفت: «در افغانستان هر زمان نمره هایمان کم می شد معلم کلاس با خط کش های بزرگ ما را کتک می زد.» با وجود ناراحتی و تعجبی که داشتم با قاطعیت به او گفتم: «هیچ کس به هیچ دلیلی حق آزار و اذیت تو را ندارد. حتی من!!»

امنیت ذهنی کودکان بسیار حائز اهمیت است. کودکانی که در معرض آسیب هستند از محیط اطرافشان تأثیرپذیری بالایی دارند. ما در موسسه مهروماه در تلاشیم محیطی امن و شاد برای کودکان فراهم کنیم و از سلامت روانی آنها در جهت بهبود کیفیت زندگی شان حمایت کنیم.

علی سال گذشته انزوای بیشتری داشت. با هیچ کس ارتباط نمی گرفت. تلاش کردیم با صحبت کردن و ایجاد فضایی مطمئن با کمک بخش مددکاری، راهکارهای مقابله با اضطراب را آموزش ببیند و به حقوق فردی خود آگاه شود. طی دوسالی که برای این دانش آموز در مددکاری پرونده تشکیل شده است، همچنان تحت روان درمانی و آموزش قرار گرفته است. امسال دایره ارتباطاتش بیشتر شده و بیشتر در بازی های جمعی مانند وسطی شرکت می کند.

علی آرزو دارد روزی بزرگترین هواپیمای جهان را داشته باشد و همه بچه هایی که اسباب بازی ندارند را سوار کند.



در قاب یک رویا

اولین قدم برای آگاه‌سازی و آموزش به کودک و نوجوان دوستی با کتاب است. افزایش آگاهی درباره فردیت، ارزش‌ها و حقوق‌شان با کتاب‌خوانی تسهیل می‌شود. نهمین سال جشنواره «کتاب مهر» برگزار شد و مانند سال‌های گذشته دختران نوجوان و علاقمند به این حوزه رمان‌های سال گذشته (۱۴۰۰) را داوری کردند.

علاوه بر ترویج کتاب‌خوانی، یکی از مهم‌ترین اهداف کلاس‌های کتاب‌خوانی تقویت اعتماد به نفس و قدرت کلامی در شرکت‌کنندگان است. داوران رمان‌هایی که مناسب رده سنی نوجوان است می‌خوانند و در جشن اختتامیه به چهار کتاب منتخب خود جایزه می‌دهند. مهروما با فراهم کردن فضای کتابخانه و کلاس‌های کتاب‌خوانی باعث دسترسی راحت‌تر کودکان به کتاب‌ها شده است و در تمام این سال‌ها با جذب مروجین کتاب و افراد علاقمند به ادبیات، در تلاش است برگزاری این کلاس‌ها متوقف نشود.

سارا یکی از داوران امسال بود. وقتی احساسش و تاثیرات جلسات نقد کتاب را از او جویا شدیم به سرعت به مصمم‌تر شدن خود اشاره کرد و گفت: «از وقتی شروع به کتاب‌خوانی کرده‌ام برای رسیدن به اهدافم مصمم‌تر شده‌ام. ابتدا برای سرگرمی به کلاس می‌آمدم. ولی حالا کتاب خواندن جزئی از زندگی من شده است. ما انسان‌ها با کتاب‌خوانی می‌توانیم تغییراتی را که می‌خواهیم، در دنیا ایجاد کنیم. اینجا در جمع کتاب‌خوان‌ها خیلی خوش می‌گذرد و انگار چندین بار زندگی کرده‌ام. وقتی ناراحتم، وقتی احساس می‌کنم همه چیز در حال نابودی است به کتاب‌هایم پناه می‌برم و به شخصیت‌های داستانی فکر می‌کنم که چگونه نجات پیدا کرده‌اند. مثل «در قاب یک رؤیا» مانند دونده‌ای که پاهایش مصدوم می‌شود ولی از تلاش دست بر نمی‌دارد و به جای دویدن عکاسی را شروع می‌کند و می‌درخشد.»



پرنده‌های آزاد

چند سال است که در خانه فرهنگ و هنر فعالیت‌های هنری، ورزشی، آموزشی و... برقرار است. در فصل تابستان استقبال بچه‌ها از کلاس‌ها پررنگ‌تر می‌شود. از نظر مربی هنر دلیلی که باعث تداوم و اثربخشی فعالیت‌ها شده است، فقط حضور بچه‌هاست. عصرها در حیاط خانه فرهنگ صدای آواز و دف‌نوازی بچه‌ها طنین‌انداز می‌شود.

بعضی از بچه‌ها با وجود شرایط سختی که متحمل هستند مرتب به کلاس‌ها می‌آیند. رضا (نام مستعار) یکی از کودکان فعال موسسه بود. اما مدتی است که پدرش را از دست داده و برای تأمین مخارج زندگی مجبور به کار شده است. به همین خاطر دیگر مثل گذشته که مدام صدای خنده‌اش در خانه فرهنگ و هنر می‌پیچید امکان حضور ندارد. اما وقتی شنیدیم برای حضور در یکی از کلاس‌های هنری چه تلاشی کرده، احساس غرور و خوشبختی داشتیم. یک روز دیدیم که با خوشحالی از پله‌های کوچه بالا آمد و وارد کلاس شد و با صدای بلند گفت «چند بار با کارفرما حرف زدم و بالاخره اجازه داد هفته‌ای دو ساعت این کلاس را بیایم.»

ما، او و تمام عزیزانی که با وجود چالش‌های بسیاری که رو به رو هستند دست از تلاش و فعالیت بر نمی‌دارند را به پرنده‌گانی آزاد تشبیه می‌کنیم که با وجود سختی‌های پرواز از اوج گرفتن نمی‌هراسند. ما آنها را تحسین می‌کنیم و برایشان ارزش قائل هستیم.



تحصیل رایگان حق همه کودکان است

سارا ۱۵ ساله است. یک سال پیش به ایران مهاجرت کردند. خانواده اش پرجمعیت است و چند خواهر و برادر کوچکتر از خودش دارد. او علاقه زیادی به ادامه تحصیل در مدارس دولتی دارد ولی مشکلات اداری زیادی پیش روی اوست. در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ ششم ابتدایی را در موسسه مهرماه خواند و قصد دارد ادامه بدهد و در آینده پزشکی بخواند. پدر سارا سرطان دارد. او و خواهرانش در کنار درس خواندن گل‌دوزی می‌کنند تا بتوانند مسائل مالی را تا حدی برطرف کنند. جالب است بدانید با وجود همه‌ی مشکلات سارا خیلی خوب درس می‌خواند. ما در



تلاشیم با پیگیری‌های لازم شرایط تحصیل او در مدرسه را فراهم کنیم. تحصیل رایگان و در دسترس حق همه کودکان است.

زنان توانمند؛ خانواده‌های سالم

آدم توانمند کسی است که می‌تواند استعدادها و توانایی‌هایش را بشناسد و از آنها برای بهتر کردن زندگی‌اش استفاده کند. به نظر ساده می‌رسد. ولی اگر انقدر ساده و در دسترس بود، لازم نبود این همه کتاب و مقاله و کلاس دانشگاهی و کارگاه آموزشی در مورد توانمندسازی در دنیا تولید و برگزار شود. توانمندی مهارتی است که آدم‌ها باید با تلاش کسب کنند. باید یاد بگیرند که خودشان و استعدادهایشان را بشناسند و یاد بگیرند که چطور از استعدادهایشان استفاده کنند که زندگی‌هایشان بهتر شود.

وقتی حرف از بهتر شدن زندگی می‌زنیم یعنی حرکت از وضعیت فعلی به وضعیت بهتر. یعنی تغییر. پس «توانمندی» و «تغییر» به سمت وضعیت بهتر کاملاً به هم مرتبط هستند و می‌دانید بهترین بستر برای پذیرفتن تغییر چیست؟ گروه‌های کوچک افراد با روابط گرم و مبتنی بر اعتماد. همان گروه‌هایی که وقتی یادمان می‌افتد عضو آنها هستیم حس خوبی پیدا می‌کنیم. گروه‌هایی که خودمان را با آنها معرفی می‌کنیم. چیزی مثل جمع‌های زنان توانمند موسسه مهرماه.

زنانی که به مهرماه می‌آیند تجربه‌های مختلفی در زندگی‌شان دارند. از جغرافیایها و فرهنگ‌های مختلفی می‌آیند و هنرهای متفاوتی را بلدند. یکی آشپزی‌اش خوب است و دیگری گلدوزی‌اش. یکی در روستایشان پته دوزی یاد گرفته و دیگری خیلی خوب می‌تواند با کودکان بازی کند. مهرماه فرصت‌هایی فراهم می‌کند که زنان مختلف، به بهانه‌های مختلف، از سواد آموزی گرفته تا یاد گرفتن مهارت فرزندپروری، از آشپزی گرفته تا خیاطی، در کنار هم بنشینند و با هم حرف بزنند. زنانی که بسیاری‌شان قبل از این هرگز به هیچ گروهی تعلق نداشته‌اند و برای اولین بار در مهرماه یاد گرفته‌اند که حق دارند از خودشان حرف بزنند و به خواسته‌های خودشان فکر کنند و برای خودشان احترام قائل باشند. یاد گرفتند به خودشان نگاه کنند و فکر کنند «من چه توانایی‌هایی دارم؟» و فکر کنند «من چطور می‌توانم زندگی بهتری داشته باشم؟»

شرکت در فعالیت‌های گروهی در مهرماه و مشاهده تجربه زنان دیگری که توانستند زندگی‌هایشان را تغییر دهند- همان زنان معمولی که دارند سواد یاد می‌گیرند یا می‌توانند با هنر دستشان درآمدی داشته باشند یا دیگر اجازه ندهند که شوهرشان کتکشان بزند- این پیام را به دیگر زنان گروه می‌دهد که آنها هم می‌توانند. کافی است به خودشان نگاه کنند و ببینند کجای این زندگی را می‌توانند تغییر دهند و با آنجایی که نمی‌شود

تغییر داد چطور باید بسازند که حداقل آسیب ورنج را متحمل شوند.

قانون دنیا این است. هر آدمی که تلاش می‌کند زندگی‌اش را بهتر کند به تمام آدم‌هایی که به او نزدیکند و نگاهش می‌کنند و می‌شناسندش این پیام را می‌دهد که «تو شایسته زندگی بهتری هستی پس برایش تلاش کن.» تصور کنید اگر آن آدم، یک مادر باشد... یک همسر... یک زن... خانواده‌های سالم لاجرم زنان توانمندی دارند. زنانی که بلدند از خودشان حرف بزنند، به خودشان احترام بگذارند، رؤیاهایی داشته باشند و برای زندگی بهتر تلاش کنند. در ادامه چند روایت از زنانی می‌خوانید که با تلاش و پشتکار توانمندی‌های خود را با کمک مهرماه شناخته‌اند و هر روز بر توانشان افزوده می‌شود.



روایت اول: مریم



این عکس تزئینی است. جلسه‌های مشاوره فضایی کاملاً محرمانه است.

خرج خانه را می‌داد. شغلش بد نبود. صاحب کارش ازش خیلی راضی بود. می‌گفتند کارگر خوبی است. درآمدش هم کفاف زندگی را می‌داد. ولی فقط زندگی خودش. باید بیشتر کار می‌کرد تا بتواند خرج لباس‌های خواهرش را بدهد. بالاخره خواهرش دختر جوانی بود و نیاز داشت خوب لباس بپوشد. مادرش می‌گفت حق دارد. چیز زیادی نمی‌خواهد... باید بیشتر کار می‌کرد تا بتواند به برادرش هم کمک کند که خانه بخرد. همه خواهرها به برادرهایشان کمک می‌کنند... باید بیشتر کار می‌کرد تا خرج مواد پدرش را هم بدهد. اگر پدرش بی مواد می‌ماند مادرش را کتک می‌زد... درآمدش کفاف زندگی را می‌داد اگر وقت می‌کرد به خودش فرصت نفس کشیدن بدهد و رها شود از این تپش قلب وحشتناک و اضطراب کشنده. از این دردهای گاه و بیگاهی که روانشناس موسسه می‌گفت مال اضطراب است. باید می‌توانست کمتر مضطرب باشد ولی کار راحتی نبود. دلش نمی‌خواست بنشیند رو به روی روانشناس و مجبور شود یادش بیاید که چرا نمی‌تواند خودش را مسئول مشکلات همه اطرافیانش نداند. چرا قبول نمی‌کند که کلید حل گرفتاری‌های همه عالم و آدم در دستان او نیست و چرا به جای هلاک کردن خودش زیر بار این همه فکر و خیال و اضطراب، به خودش فرصت نمی‌دهد که ببیند

کدام مشکلات زندگی‌اش را می‌تواند حل کند و کدام‌ها را مجبور است بپذیرد و باهاشان کنار بیاید. طول کشید. خیلی زیاد طول کشید. ولی بالاخره توانست ذهنش را مرتب کند و نگرانی‌هایش را بچیند روی میز روانشناس و نگاهشان کند و بفهمد کدام‌ها را می‌شود رفع کرد. به روانشناس گفت اگر می‌توانستم دیپلم را بگیرم حقوقم بیشتر می‌شد. صاحب کارم گفته که شغلم را هم بهتر می‌کرد. اگر دیپلم داشتم... ولی انقدر سرش شلوغ بود به جمع و جور کردن زندگی اطرافیانش و انجام مسئولیت‌های آنها و به تنهایی به دوش کشیدن بار زندگی همه که وقت نمی‌کرد برود امتحاناتش را بدهد. می‌دانست که فقط کافی است چند ماهی وقت بگذارد. قبلاً تا دوم دبیرستان خوانده بود... بالاخره روزی رسید که توانست تصمیم بگیرد که به یکی دو نفر بگوید که نمی‌تواند کاری برایشان بکند و وقتی برای خودش خالی کند تا بنشیند سر درس خواندن برای دیپلم گرفتن. دیپلمش را که گرفت خواهرش طور دیگری نگاهش می‌کرد... بقیه زن‌های موسسه هم....

روایت دوم: زهرا

مددکار گفت بجهت‌ها را به شرطی می‌توانیم در پیش دبستانی موسسه ثبت‌نام کنیم که خودت هم کلاس‌های سوادآموزی را شرکت کنی. قلب زهرا داشت از سینه‌اش بیرون می‌زد. او که برای آمدن به این ساختمان و به زیان آوردن همین چندتا جمله به این زن غریبه، تمام تنش عرق کرده بود، حالا چطور می‌توانست بنشیند میان کلی زن غریبه دیگر و جاری‌هایش! می‌دانست که جاری‌هایش هم کلاس سوادآموزی می‌روند و می‌دانست که فکر می‌کنند او کم هوش است. بارها به او گفته بودند که دست و پا چلفتی است... که عرضه هیچ کاری را ندارد... که نمی‌فهمد... حالا مجبور بود بنشیند کنار همان‌ها و جلوی کلی آدم غریبه دیگر نشان بدهد که عرضه هیچ کاری را ندارد وگرنه پسرکش نمی‌توانست مثل بچه‌های عموهایش بنشیند سر کلاس و از آن کتاب‌های قشنگ داشته باشد و نقاشی کند و خانم معلم مهربانش بهش چیزهای خوب یاد بدهد. بیچاره پسرک. بیچاره شوهرش. کاش می‌شد از زندگی آنها حذف شود. محو شود. گم شود و آنها بتوانند در نبود او زندگی بهتری داشته باشند... همه جرأتش را جمع کرد و گفت نمی‌توانم... مددکار نگاهش کرد. متوجه حال بدش شد. گفت: «بنشین.» عصبانی نشد. برایش آب آورد. صندلی‌اش را به او نزدیک کرد. گفت می‌خواهی علتش را به من بگویی؟ صدایش از ته چاه بیرون آمد. گفت: «نمی‌توانم سواد یاد بگیرم. مسخرهام می‌کنند...» مددکار حرف‌هایی زد. کاغذی نوشت و فرستادش اتاق دیگر.

پیش روانشناس. می‌ترسید. بیشتر از هر چیزی در این دنیا از خودش می‌ترسید. از این موجودی که عرضه هیچ کاری را نداشت. روانشناس گفت بچه‌ات را ثبت‌نام می‌کنیم به جای هر هفته بیا با هم صحبت کنیم. شوهرش مسخره‌اش کرد. هفته‌ای یک بار با بچه می‌آمد موسسه و می‌نشست توی اتاق روانشناس و حرف می‌زدند. یاد گرفت زندگی‌اش را تعریف کند. یکی در این دنیا بود که می‌خواست بشنود که او چه می‌گوید. یکی که حرف‌هایش برای او جالب بود. می‌خواست بداند مادرش چطور زنی بود و پدرش و شوهرش و بچه‌هایش چطور هستند. یکی که وقتی فهمید کودکی‌هایش در روستا از مادر بزرگش گلدوزی یاد گرفته، تشویقش کرد و گفت خیلی دوست داشته که او هم گلدوزی بلد بود و برای اولین بار زهرا در زندگی‌اش فکر کرد که کاری را بلد است. ماه‌ها کارش شده بود هفته‌ای یک بار نشستن در این اتاق و حرف زدن از ترس‌هایش. دیگر برایش مهم نبود که شوهرش می‌گفت نمی‌خواهم این جلسات را بروی. دیگر داشت فکر می‌کرد چرا نباید سواد یاد بگیرد؟ نباید آنقدرها هم کار سختی باشد. بالاخره او توانسته بود گلدوزی یاد بگیرد پس می‌توانست الفبا را هم یاد بگیرد. داشت فکر می‌کرد شاید بتواند مثل زن‌هایی که در اتاق کارآفرینی دور هم می‌نشینند و خیاطی می‌کنند، چیزهایی بدوزد و بفروشد... یاد گرفته بود به اینها فکر کند ولی ماه‌ها طول کشید تا بتواند بر ترسش غلبه کند و این فکرها را به زبان بیاورد و روانشناس معرفی‌اش کند به مسئول کارآفرینی و سفارش بگیرد و گلدوزی کند... اولین بار که برای کارش پول گرفت قلبش داشت از سینه‌اش بیرون می‌زد... فکر کرد دیگر باید سواد یاد بگیرم، مثل مریم که دیپلم گرفت... باید پسرک را مدرسه ثبت نام کنم و از مادرش درس خواندن را یاد بگیرد....



روایت سوم: آذر دخت

از وقتی یادش می‌آمد دلش می‌خواست حس سیر بودن را تجربه کند. همیشه گرسنه بود. هیچ وقت به اندازه کافی لباس نداشت. حس خانه داشتن را تجربه نکرده بود. یک خواب راحت حتی... فقیر بود. همیشه فقیر بود. در خانه پدرش با آن همه خواهر و برادر. در جنگ. در فرار. در ازدواجش که اصلاً نفهمید چطور اتفاق افتاد. انگار فقط باید یک نان خور از خانه کم می‌شد. ولی او که نانی نمی‌خورد. در خانه شوهری که همیشه خمار بود و انگار فقط کسی را می‌خواست که با کتک زندنش خمارش را از یاد ببرد. از وقتی یادش می‌آمد دوست داشت به یکی یک چیزهایی بگوید ولی نمی‌دانست چه چیزهایی و نمی‌دانست به چه کسی. حتی با خودش هم بلد نبود حرف بزند انقدر که حرف نزده بود. انقدر که یاد گرفته بود همیشه فقط گوش بدهد و کاری را که می‌گویند انجام بدهد تا کمتر کتک بخورد. انقدر که ترجیح می‌داد دیده نشود. آدم‌های دور و برش یادشان برود که او هم هست. محو شود. حالا ولی اینجا دنیا که گرفتار شده بودند، یک موسسه‌ای بود که مهاجران قبلی می‌گفتند ماکارونی و لباس می‌دهد. شوهرش گفت برو ببین چه چیزهایی بهم‌ان می‌دهند. اطاعت کرد. گفتند باید برود اتاق مددکارها. اطاعت کرد. گفتند بنشینند و به سؤالاتشان جواب بدهد. اطاعت کرد. ولی آنها اطاعت

نمی‌خواستند. می‌خواستند حرف بزنند و زندگی‌اش را تعریف کند. بیشتر از همه چیز در این دنیا دوست داشت حرف بزند ولی بلد نبود. مددکار عجله‌ای نداشت. انگار او مهم‌ترین آدم دنیا بود و مددکار فقط می‌خواست به حرف‌های او گوش بدهد. گیج شده بود. خوشحال بود و می‌ترسید. نمی‌دانست چه کار باید بکند. گفتند اگر بیای سوادآموزی می‌توانی بسته ارزاق هم بگیری. شوهرش حرفی نداشت. برایش مهم نبود این زن کجا می‌رود. فقط می‌خواست دست پر برگردد و هر وقت دلش خواست بتواند کتکش بزند. آذردخت خوشش می‌آمد از نشستن در اتاق مددکار. منتظر بود که روز جلسه مشاوره‌شان برسد و بنشینند آنجا. کم‌کم یاد گرفت حرف بزند. یاد گرفت از آرزوهایش بگوید. یاد گرفت اسمش را بنویسد. دیگر دلش نمی‌خواست ماکارونی بهش بدهند. دوست داشت کار کند و خودش پول در بیاورد. مثل سیمین دخت. دوست داشت بلد بود مثل او گلدوزی کند. به همان زیبایی. روانشناس گفت می‌تواند معرفی اش کند به واحد صنایع دستی که گلدوزی کردن یاد بگیرد. دو سال از اولین باری که آمده بود موسسه گذشته بود. حالا کلی کلاس شرکت کرده بود. کلی دوست پیدا کرده بود. سواد داشت. بلد بود گلدوزی کند... مدتی که گذشت، یک بار وقتی که شوهرش خواست مثل همیشه مشت بکوبد توی سرش و شروع کند داد و بیداد را، توانست بایستد جلوی او و نگذارد. تجربه عجیبی بود. اولین باری که نترسید و به جایش توی چشم‌های این مرد ترسناک نگاه کرد. به چشم‌هایش که خیره شد، مردش نتوانست مشتش را پایین بیاورد. آذردخت توانسته بود. توانسته بود نگذارد که کتکش بزنند. فهمیده بود که نمی‌تواند از شوهرش جدا شود ولی می‌تواند نگذارد که کتکش بزند. یاد گرفت در چارچوب واقعیت، زندگی را قدری بهتر کند و فکر کرد بچه‌ای که در شکم دارم می‌تواند زندگی بهتری داشته باشد. بالاخره او فرزند مادری است که حرف می‌زند، چیزهایی بلد بود و یاد گرفته بود که نترسد و نگذارد به او فحش بدهند...



کشمکش روزگار اگر گذارد

صفیه چند فرزند دارد. زن بسیار با انگیزه‌ای است و چند سالی است که از افغانستان با خانواده اش به ایران آمده‌اند. صفیه چند جلسه در کلاس‌های آموزش چرخ صنعتی که یکی از داوطلبان مهروماه برگزار می‌کرد شرکت کرد و کم‌کم دیدیم که خیلی فعالانه خیاطی می‌کند و با چرخ خانگی اش محصولات را تولید می‌کند و جاهایی می‌فروشد. وقتی مرپ‌اش متوجه علاقه و انگیزه بالای صفیه شد به ما پیشنهاد داد که چند جلسه بیشتر کلاس را برگزار کند که بتواند مهارت‌های بیشتری را به صفیه و بقیه زنان کلاس بیاموزد تا بتوانند با دستاوردشان کارهای متنوع‌تر و تمیزتری تهیه کنند. صفیه مشتاقانه کلاس‌ها را شرکت کرد و هر روز پیشرفتش را می‌دیدیم.

با توجه به اینکه در موسسه مشکل جا پیدا کردیم و نمی‌توانستیم امکان استفاده از چرخ‌ها را برای همه فراهم کنیم تصمیم گرفتیم که چرخ‌های صنعتی واحد صنایع دستی را با شرایط خاص به زنان فعال واگذار کنیم. صفیه خیلی استقبال کرد و انگیزه‌اش برای کار کردن بیشتر هم شد. برای اینکه حجم کارش بیشتر شود بارها به مغازه‌ها و خیاطی‌های مختلف محله و جاهای دیگر شهر مراجعه کرد و بعضی‌ها هم که ذوق و شوق و کیفیت کارهایش را می‌دیدند به او کارهایی سفارش می‌دادند.

یکی از ویژگی‌های بارز صفیه تلاش خستگی‌ناپذیر و قدرت بازاریابی اوست که یکی از استعدادهای فردی اوست و آموزش ویژه‌ای برای آن ندیده است. او با تمرین بیشتر و بیشتر هر روز تنوع محصولاتش را افزایش و بازار کارش را گسترش می‌دهد.

او مدتی پیش پیشنهاد داد که خودش داوطلبانه کلاس‌هایی را برای زنان مبتدی برگزار کند. قبلاً هم زنانی مثل او در موسسه بوده‌اند که وقتی توانایی‌های بالقوه‌شان بالفعل شده تصمیم گرفته‌اند که این حس خوب را به زنان دیگر منتقل کنند و پیشنهاد داده‌اند که داوطلبانه چیزهایی که بلدند را به زنان دیگر یاد بدهند.

مدتی است که یکی از فرزندان صفیه دچار بیماری سختی شده و بنابراین صفیه باید وقت زیادی را صرف او کند. البته با همه فشاری که این بیماری به روان و توان بدنی و مالی صفیه و خانواده‌اش وارد کرده باز هم هر زمان که فرصتی پیدا می‌کند دست به چرخ می‌شود. او می‌گوید «چرخ زندگی را اگر نچرخانم خودش نمی‌چرخد»



اوقات خوش آن بود که با دوست به سر رفت

در فراز و نشیب این روزگار پر فشار افرادی هستند که با وجود همه مشغله‌ها یار و همراه مهروماه هستند تا موسسه بتواند گام‌های خود را مطمئن‌تر بردارد. قطعاً پایداری فعالیت‌های مهروماه وابسته به فعالیت‌های داوطلبانه این عزیزان است. خانم زهت رضوی گرامی هم یکی از این افراد است که با کوله‌باری از تجربه یک روز تصمیم گرفت همراه مهروماه شود و از آن روز به یکی از اعضای ارزشمند مهروماه تبدیل شد. ایشان در کتابخانه موسسه و فرآیند کتابداری و کتابخوانی همراه بچه‌های مهروماه است.

• ممنون می‌شوم که هر طور دوست دارید خودتان را معرفی کنید.

(با مهر و لبخند) من زهت رضوی هستم، اهل کرمان. ۱۷ سالگی دیپلم گرفتم و همان ابتدا معلم دبستان شدم. بعد از مدتی لیسانس زیست‌شناسی‌ام را از تربیت معلم گرفتم و دبیر دبیرستان شدم. ۴۲ سال سابقه تدریس دارم (بعد از بازنگشتگی هم دوباره مشغول به کار شدم و تدریس کردم). در هیچ حیطه‌ای در زندگی‌ام مقابل کوچکترها قرار نگرفته‌ام و همیشه خواسته‌ام که کنارشان باشم و این رویکرد من را به بچه‌ها نزدیک کرده است. هیچ وقت نصیحت کردن را دوست نداشته‌ام و همیشه دلم می‌خواسته که با رفتار خودم الگو باشم. مثلاً تلاش می‌کنم صادق باشم که اگر کسی صداقت را در رفتار من دید و دلش خواست تلاش کند صادق باشد. علاوه بر اینها دوست دارم بگویم که من از بچه‌ها خیلی چیزها یاد گرفته‌ام. در درس دادن هم ایجاد آرامش و همدلی با بچه‌ها بیشتر از درس مدرسه برایم مهم بوده است.

• خانم رضوی عزیز، شما چطور با مهروماه آشنا شدید و چند وقت است که با موسسه همکاری می‌کنید؟

از طریق دوستم؛ مریم اسماعیلی که یکی از دوستانش در موسسه کار می‌کرد با موسسه آشنا شدم. اوایل بیشتر همراه مالی موسسه بودم و رفت و آمدهایی می‌کردم اما یک بار یک دوره‌ی برای حامیان تشکیل شد که در آن خانم طروسیان اعلام کرد که ما به دنبال یک کتابدار برای موسسه هستیم. من هم با اشتیاق اعلام آمادگی کردم. الان هم دو روز در هفته نصف روز در موسسه کنار بچه‌ها هستم و با هم کتاب می‌خوانیم. در ابتدای کار کتابخانه خیلی کوچک‌تر بود و در حیات با بچه‌ها کتاب می‌خواندیم.

• انگیزه شما از فعالیت داوطلبانه چه هست؟

من همیشه کار کرده‌ام. دلم می‌خواست کارم را ادامه بدهم. دلم نمی‌خواهد در خانه بمانم. فکر کردم کاری کنم که هم برای من رضایت‌بخش باشد و هم برای دیگران. از قبل ایده‌ای برای کتابخوانی نداشتم. به این شیوه‌ای که الان با بچه‌ها کار می‌کنم در طول کار رسیده‌ام. مثلاً موقع خواندن کتاب توقف می‌کنم و از بچه‌ها می‌خواهم که درباره خودشان بگویند. مثلاً اگر موضوع مطلب مرتب کردن اتاق است از بچه‌ها می‌پرسم شما صبح‌ها رختخوابتان را جمع می‌کنید؟ و اجازه می‌دهم که هر کدام از بچه‌ها تجربه خودش را بگویند. اصلاً توصیه‌ای به آنها نمی‌کنم. می‌گذارم با من و بین خودشان درباره آن موضوع مشخص حرف بزنند. الان هم چند جلسه است که از بچه‌ها می‌خواهم که درباره آن موضوع کمی بنویسند تا مهارت‌های نوشتنشان هم تقویت شود و همین‌طور بتوانند مطالب را بهتر درک کنند.



- در موسسه بیشترین ارتباطات با چه کسانی است؟
به خاطر جنس کارم من بیشتر از همه با بچه ها در ارتباط هستم.

- و چه احساسی نسبت به بچه‌ها دارید؟

حس دوست داشتن. من بچه‌ها را دوست دارم. گاهی به خاطر مشکلاتشان اذیت می‌شوم اما همین حس بسیار کمک‌کننده است که کارم را ادامه بدهم. شاید اگر همین کار را در جایی بالای شهر می‌کردم برای ادامه دادن کار انگیزه‌ام به مرور کم می‌شد. حس اولیه‌ام دلسوزی بود اما الان خیلی از این حس فاصله دارم. الان حس می‌کنم اگر کاری از من ساخته است پس انجامش بدهم.

- از این هفت سالی که اینجا فعال بوده‌اید خاطره بارزی دارید که تعریف کنید؟

علی (اسم مستعار) ۱۲-۱۰ ساله بود که اینجا می‌آمد. آن زمان در اینجا برای تغذیه روزانه شیر هم می‌دادند. یادم هست که علی شیر می‌خورد و یک پاکت هم یواشکی زیر لباسش می‌گذاشت. من فقط این صحنه را دیده بودم و چیزی نمی‌گفتم. یک روز مادرش با یک بچه کوچک به موسسه آمد. آنجا بود که فهمیدم علی شیر اضافه را برای آن بچه می‌برد. چند وقت بعد مادر علی با یک بچه کوچک دیگر به موسسه آمد. از علی پرسیدم این خواهر توست؟ علی با ناراحتی گفت «آره یک بچه دیگه.» این خاطره در ذهن من حک شده و خیلی پررنگ است. یک چیز دیگری که در مهرماه برای من پررنگ است مهربانی کادر اینجا با بچه‌هاست. این موضوع هم خیلی به چشمم می‌آید. حسی که دارم این است که بچه‌ها احساس می‌کنند که اینجا یک پایگاهی دارند. حتی وقت‌هایی هست که دیده‌ام به بچه‌ها می‌گوییم «برید خانه» اما بچه‌ها در موسسه مانده‌اند. اینجا مامن امید و آرزوهای بچه‌هاست.

- مشکلاتی که در موسسه با آن مواجه هستید چیست؟

مشکل جا. برای کتاب‌خوانی بهتر است یک فضای ساکتی باشد که بچه‌ها بتوانند در سکوت و آرامش کتاب بخوانند. ما اینجا مشکل فضا داریم.

- اگر بخواهید برای بهتر شدن مهرماه راهکاری پیشنهاد بدهید چه می‌گویید؟

به نظر من مشکل اقتصادی مشکل اصلی ما در مهرماه است وگرنه فکر می‌کنم اعضای موسسه توانمندی اینکه کارها را به خوبی پیش ببرند دارند. فقط از نظر اقتصادی تحت فشار هستیم تا بتوانیم بیش از پیش ببالیم.



خلق زیبایی

کلاس‌های هنری و فعالیت‌های خلاقانه همواره لذت‌بخش‌ترین بخش مهروماه است. اینجا با خلق ایده‌های جدید و تلفیق آن با آواز و نواختن، زندگی پویاتر می‌شود و بچه‌ها حس رهایی را تجربه می‌کنند. آفریدن چیزهای جدید حال بچه‌ها را خوب می‌کند.



بیا تا گل برافشانیم

فعالیت‌های مددکاران اجتماعی و روانشناسی شامل ارزیابی و تشخیص مشکلات، ارائه راهنمایی و مشاوره، کمک به دستیابی به منابع و خدمات مورد نیاز، تنظیم برنامه‌های کمک، ارائه حمایت اجتماعی و همکاری با سایر حرفه‌های حوزه سلامت روان و خدمات اجتماعی است. با همت مددکاران و روانشناسان موسسه زنان و کودکان زیادی از این خدمات بهره می‌برند و باری از دوششان برداشته می‌شود.



دستان توانا کلید لبخند زنان

در بخش صنایع دستی «مهرسا»، بانوانی فعالیت می‌کنند که با همت و اراده‌ای قوی اسیر تاریکی نشدند و با امید و عشق سوزن به پارچه‌ها می‌زنند.



این زنان راز آتش را می‌دانند

در جهت توان‌افزایی زنان مهروماه، افرادی که علاقمند به فعالیت در حیطه مواد غذایی بودند جذب شده و با آموزش مهارت‌های آشپزی سفارش‌های غذایی را آماده می‌کنند و دستمزد خود را دریافت می‌کنند. این فعالیت‌ها تحت عنوان «مهرچین» است.



که دست افشان غزل خوانیم و پا کوبان سر اندازیم

در سال ۱۴۰۱ هم به بهانه مناسبت‌هایی مانند جشن روز معلم، آغاز سال تحصیلی، یلدا و نوروز دور هم جمع شدیم. یکسال در کنار هم در این شادی سهیم بودیم.





ورزش و نرمش، هر روز و هر جا

این فعالیت‌ها شامل اردوها، کلاس‌های تابستانی، کوهگردی، کلاس‌های یوگا برای مادران و قصه‌خوانی بود. در این برنامه‌ها افراد فعالیت گروهی و حضور در فعالیت‌ها و فضاهای جدید را تجربه می‌کنند و از بودن در کنار هم و ارتباط با هم رشد می‌کنند.





هر روز چیزی برای آموختن داریم

بخش آموزش در مهرماه به چهار گروه تقسیم می‌شود: گروه پیش دبستانی، گروه بازمانده از تحصیل در مدارس دولتی، گروه حمایت تحصیلی و گروه سواد آموزی. در سال ۱۴۰۱ هم بچه‌ها از سنین پایین تا ۱۸ سال در کلاس‌های آموزشی مهرماه شرکت کردند. باعث افتخار است که ۴ نفر از بچه‌ها توانستند در کنکور قبول شوند و به دانشگاه بروند.





ما با کتاب بزرگ می شویم

یکی از بخش‌های پر طرفدار از سوی کودکان و نوجوانان، بخش بلند خوانی و کتاب‌خوانی است. در همین راستا گروه‌هایی تشکیل شده‌اند که نشست‌های بررسی و نقد کتاب برگزار می‌کنند.





ای زلف سر کجت همه چین چین شکن شکن

موی کودکان مهروماه با همت داوطلبان همراه موسسه کوتاه شد. مراقبت‌های منظم بهداشت مو کمک کرده که از گسترش بیماری‌های پوست و مو در بین کودکان پیشگیری شود.

ایمن از آتش

در آموزش ایمنی و پیشگیری از حریق که برای کودکان و همکاران انجام شد یاد گرفتیم که چطور در مواقع خطر احتمالی با موقعیت روبه‌رو شویم.



آینده از آن زنان و کودکانی خواهد بود که امید به فردا در دلشان زنده شده است



۰۲۱-۲۲۳۸۲۶۶۵

۰۲۱-۲۲۳۸۵۲۶۴



 mehromah.ngo

 @mehromahngo



 www.mehr-o-mah.com

 mehromah.far@gmail.com

تهران . اتوبان یادگار امام شمال . خیابان
ایشانگران شمالی . خیابان امام زاده داوود
کوچه عمویی . پلاک ۴